

حرف‌های پوشیده

تلاش زیادی کردیم تا بتوانیم از یک مدیر همراه وقت بگیریم و دربارهٔ صفحه‌ای که برای بچه‌ها می‌نویسیم، با خودشان گفت‌وگو کنیم و پای صحبت‌هایشان بنشینیم. تلاش‌هایمان به نتیجه رسید و خانم مدیر دبیرستان «ابن‌سینا» منطقه ۱۵ تهران زمانی را اختصاص دادند و ما با دانش‌آموزان کلاس دوم دبیرستان این مدرسه به گفت‌وگو نشستیم.

برق نگاهشان جدیت و تلاششان را یادآور می‌شد. صمیمی، مهربان و محبوب بودند. با گرمی از ما استقبال کردند، آن‌چنان که زود با هم آشنا شدیم و گفت‌وگوهای جدی خود را آغاز کردیم. تازه فهمیدیم که چه قدر اهل اندیشه‌اند و چه قدر حرف برای گفتن دارند.



محیط انتخاب می‌کنند. اغلب افرادی که از اعتمادبه‌نفس کمی برخوردارند و طالب این هستند که توجه دیگران را به خود جلب کنند، دست به هر کاری می‌زنند. برای مثال، از پوشش غیرمتناسب با محیط استفاده می‌کنند که ویژگی این نوع پوشش‌ها می‌تواند رنگ‌هایی باشند که باعث جلب توجه دیگران می‌شوند. پوشش هر کس متناسب با افکار و عقاید اوست، اما بعضی افراد نوع پوشش خود را به‌خاطر نظر اطرافیان انتخاب می‌کنند. پس می‌توان گفت که پوشش هر کس آینهٔ درون اوست.

■ به‌نظر من حجاب یعنی پوشش؛ پوششی که فرد را در برابر آسیب‌ها حفظ می‌کند. حالا هر فردی که قادر به تفکر است، با در نظر گرفتن اعتقاداتش حجابش را انتخاب می‌کند. البته این فقط نصف قضیه است. نصف دیگر، مشکلات بازار ماست. مثلاً فکر کنید فردی تصمیم می‌گیرد برای خرید به بازار برود. بعد از ساعت‌ها گشتن چیزی که با عقاید او تناسب داشته باشد پیدا نمی‌کند و به ناچار چیزی می‌خرد که به عقایدش نزدیک باشد. بعد از مدتی، فرد به پوشیدن این جور لباس‌ها عادت می‌کند و از عقایدش



دربارهٔ چی و چگونه مطلب تهیه می‌کنند؟ برای اینکه فرصت به همه برسد تا نظرشان را اعلام کنند، قرار شد روی برگه‌ای بنویسند و این‌گونه نوشتند:

■ هر پوششی چند ویژگی شاخص دارد و پوشیدن آن به باورها و اعتقادات فرد بستگی دارد. از نظر ما، فردی که روحیهٔ شاد و سرزنده‌ای دارد، غالباً رنگ‌های روشن و متنوعی را برای پوشش خود انتخاب می‌کند. افرادی که عقلانی و منطقی هستند، رنگ‌هایی متنوع اما متناسب با

خودمان را معرفی کردیم و گفتیم از طرف مجلهٔ «رشد جوان» آمده‌ایم تا نقطه‌نظرشان را دربارهٔ این صفحه بدانیم. با صراحت بیان کردند که وقتی مجله به دستشان می‌رسد، ابتدا سراغ مطالب طنز و فکاهی آن می‌روند. درد دل‌مان باز شد و گفتیم تمام آرزوی ما این است که بتوانیم با شفافیت و صداقت نیازهایشان را بدانیم و خواسته‌های منطقی‌شان را منعکس کنیم. هدف از این صفحه را بیان کردیم و پرسیدیم اگر بخواهند شمارهٔ هشتم مجله را بنویسند،



فاصله می‌گیرد. این باعث می‌شود ما از سنت‌ها و اصول حجاب دور شویم.

■ در گام اول باید مشکل تولیدمان را برطرف کنیم؛ تولیدی که شبیه به عقاید و ملیت ما باشد نه تقلید از کشورهای خارجی. به نظر من تعادل از همه چیز بهتر است. تعادل یعنی نه بی‌پروا بودن، نه پرهیز از همه چیز.

■ مهم این نیست که ما انسان‌ها چه‌طور لباس بپوشیم، مهم این است که ما با آن لباس اصل و نسب خود را حفظ کنیم؛ حالا این لباس کهنه باشد یا تازه آن را خریده باشیم. اما متأسفانه در جامعه‌ی امروزی بعضی انسان‌ها سعی می‌کنند مطابق مد باشند تا بتوانند ظاهر زیبایی داشته باشند. سعی نمی‌کنند ظاهر باوقار و سنگینی داشته باشند. چشم و هم‌چشمی می‌کنند که: مبادا لباس من از دیگری ارزان‌تر باشد! لباس من حتماً باید از همه بهتر باشد. سعی می‌کنند که در هر موقعیت یک نوع لباس بپوشند و به روز باشند. نوشته‌ها را مرور کردیم. حرف‌های جدی و خوبی زده بودند. تعجب ما از این بود که با این همه آگاهی و شناخت، چرا گاهی از

اعتراف کردند این سختی را با جان و دل پذیرا هستند و با وجود نگاه‌ها و حرف‌های گاهی طعنه‌دار بعضی از هم‌سن و سالان خود، می‌کوشند در هر شرایطی ارزش‌هایشان را حفظ کنند. سخن آخر اینکه: چه‌قدر آگاهی‌های شما با اعمال و رفتارتان فاصله دارد و چه‌قدر و چگونه تلاشی می‌کنید این فاصله‌ها را کم کنید؟ اساساً این تلاش برای شما در ساخته شدن و رشد شخصیتتان در حال و آینده چه سودی دارد؟ آیا تا به حال به‌طور جدی به آن فکر کرده‌اید؟

بچه‌های این نسل رفتارهای متناقض دیده می‌شود. وارد بحث و گفت‌وگو شدیم تا به جمع‌بندی برسیم. تأثیر محیط و هم‌رنگ شدن با جماعت از عواملی بود که پاسخ سؤال ما را می‌داد. به‌دنبال راه‌حل بودیم که یکی از ایشان برخاست و گفت: «خب واقعیت این است که قدیمی‌ها ایمان قوی داشتند. ایمان ما نسبت به ایشان ضعیف‌تر است. می‌دانیم که پوشش صحیح چگونه است، اما عمل به آن یا حفظ آن در شرایط مختلف سخت است.» اما دوستان دیگری که وارد بحث شدند،